



دکتر احمد ترابی

اخبار رسمی و غیررسمی این روزها حاکی از مذاکرات بین مقامات جمهوری اسلامی ایران و دولت امریکابا میانجیگری مقامات عمان، قطر و حتی امارات است و در چند روز اخیر، گمانه‌زنی‌ها و خبرهای متعددی پیرامون رسیدن به نوعی توافق فرای برجام میان دو کشور از سوی محافل مختلف رسانه‌ای منطقلای و بین‌المللی مطرح شده است. براساس اخباری که از خبرگزاری‌های مختلف در دنیا در این خصوص منتشر شده است به نظر می‌رسد که طرفین احتمالاً به نوعی توافق که به آن توقف در برابر توقف cease for cease یا کمتر در برابر کمتر less for less می‌گویند، دست خواهند یافت که بر مبنای آن امریکا فشارهای تحریمی خودش را بر ایران متوقف می‌کند یا احتمالاً برخی از آنها را نیز می‌دارد و در عین حال اجازه پرداخت بخشی از سایر کشورها به جمهوری اسلامی ایران را می‌دهد و در مقابل نیز جمهوری اسلامی ایران به ژانسی بین‌المللی انرژی اتمی امکان نصب دوربین‌های آن در مراکز اتمی و نظارت بیشتر بر مراکز اتمی ایران را می‌دهد و همچنین متعهد می‌شود که سطح غنی‌سازی اورانیوم خودش را محدود به ۶۰ درصد نگذارد. اگر این اخبار صحت داشته باشند توافق طرفین در واقع به نوعی مدیریت و کنترل تنش‌های بین طرفین و محدود کردن دامنه آنهاست. اما صرف‌نظر از ماهیت و مواد این توافق که هنوز به همگان روشن نیست و شاید هم اصولاً به معنای دقیق قابل روشن شدن نباشند، باید توجه داشت که در سمت امریکا مشکلات و چالش‌های پیش‌روی کاخ سفید و آقای بایدن نسبت به این موضوع نیز هر روز بیش از پیش مطرح می‌شوند و برخی نمایندگان کنگره نسبت به امضای هر نوع توافقی با ایران به آقای بایدن هشدار می‌دهند و سعی می‌کنند حتی با وضع قوانین جدید یا ایجاد فضای رسانه‌ای علیه کاخ سفید شرایط را برای دستیابی به توافق تنگ‌تر و سخت‌تر کنند.

در مقاله‌ای که در مورخه ۳۰ بهمن ۱۴۰۰ در روزنامه اعتماد نوشته‌ام درباره قوانین سه گانه بازدارنده‌ای که به واسطه آنها کنگره می‌تواند جلوی هر گونه توافقی با ایران را بگیرد، توضیح داده‌ام و در این مقاله به بررسی جامع‌تر راهایی که به واسطه آنها کنگره ممکن است رئیس‌جمهور امریکا را به واسطه هر گونه توافقی با جمهوری اسلامی ایران به چالش‌های حقوقی بکشد توضیح می‌دهم.

۱- قوانین سه‌گانه موجود ضد جمهوری اسلامی ایران

البته قوانین متعدد و مهمی در رابطه با اعمال تحریم‌ها علیه ایران در کنگره امریکا وضع شده‌اند، اما سه تا از مهم‌ترین آنها که قبلاً در روزنامه مورخ ۱۳/۰۸/۱۴۰۰ توضیح مفصل درمبارتنداز:

الف- قانون ایسا (Iran Sanctions Act) مصوب ۱۹۹۶

این قانون در اصل قانون تحریم ایران ولیبی Iranand Libya Sanctions Act مصوب ۱۹۹۶ بود که اختصاراً به نام ایلسا ILSA نامیده می‌شد. قانون ایلسا تحت الشعاع سقوط یوپیامی پان امریکن پرواز شماره ۱۰۳ فر فرز شهر لاکربی اسکاتلند به دلیل انفجار در ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸ صورت گرفت که انگشت اتهام به سمت لیبی گردیده شد. (البته بعدها در سال ۲۰۰۳ لیبی رسماًمسئولیت آن انفجار را بر عهده گرفت) ولیکن در زمان تصویب مجازات‌های تحریمی علیه لیبی نام ایران هم به آن اضافه شد. بعدها در سال ۲۰۰۶ با تغییر سیاست هسته‌سازی در لیبی، آن کشور از موضوع قانون تحریم‌های ایلسا خارج شد و از آن پس به قانون تحریم ایران ایسا ISA موسوم شد. در ابتدا قانون ایسا محدود به پنج سال بود و در نهایت در اول دسامبر ۲۰۱۶، قانون ایسای ده سال دیگر یعنی تا ۲۰۲۶ تمدید شده است. این قانون هم کسب و کارهای امریکایی و هم غیر امریکایی را که در ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند، هدف قرار می‌دهد و واردات تمام یا برخی کالاها ی شرکت متخلف به امریکا ممنوع خواهد شد. همچنین به موجب قانون تحریم ایران هر گونه سرمایه‌گذاری بیش از ۴۰ میلیون دلار در سال برای توسعه بخش نفت و گاز در ایران توسط هر شرکتی در دنیا ممنوع است. با این توصیف و بنابر قانون ایسا سرمایه‌گذاری‌ها در حوزه نفت و گاز ایران به شدت محدود می‌شود.

ب- قانون اینارا (Iran Nuclear Agreement Review Act) مصوب ۲۰۱۵

بر اساس قانون بازنگری توافق هسته‌ای ایران (اینارا)، رئیس‌جمهور باید هر ۹۰ روز یک‌بار گواهینامه‌ای را برای کنگره صادر کند که با عملکرد دایران در توافق هسته‌ای چند جانبه موسوم به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) مرتبط باشد و نشان دهد که ایران طبق توافق به عمل آمده رفتار می‌کند و عدم صدور گواهینامه به کنگره ایس امکان را می‌دهد که قوانینی را برای بازگرداندن تحریم‌های ایالات متحده که تحت موافقتنامه برجام لغو یا تعلیق شده‌اند، در یک برنامه تسریع شده معرفی کند. همچنین قانون اینارا دولت امریکا را ملزم می‌کند که هر گونه توافق جدید به‌انضمام صورت مذاکرات و سایر موارد مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران را کاملاً به اطلاع کنگره برساند و مهلت‌های مختلفی را برای اطلاع‌رسانی موارد مختلف آن تعیین کرده است. اگرچه ترامپ از توافق برجام خارج شد، اما در صورت پیوستن آقای بایدن به برجام یا هر گونه توافق مشابه لغو تحریم همین قانون دولت او را ملزم می‌کند تا رایه گواهی مذکور در آن قانون را از سر بگیرد. لذا به نظر می‌آید قانون در حال حاضر مهم‌تر از سایر قوانینی است که دست دولت آقای بایدن را برای هر نوع توافقی با ایران می‌بندد و او را تحت فشار قرار می‌دهد. عبارتی هم که در قانون اینارا به کار برده شده مطلق کلمه توافق است که علی‌القاعده شامل «هر گونه توافق جدید» اعم از کتبی یا شفاهی می‌شود. همچنین خواهد بود.

ج- قانون کانسا Countering America’s

چهارشنبه ۷ تیر ۱۴۰۲، ۹ ذی‌الحجه ۱۴۴۴، ۲۸ ژوئن ۲۰۲۳، سال بیست‌ویکم، شماره ۵۵۱۹

Jahan@etemadnewspaper.ir



توافق با ایران، سوژه تقابل حقوقی احتمالی کنگره با رییس‌جمهوری امریکا

کنگره ممکن است با استفاده از اختیارات حقوقی در قانون اساسی و سایر قوانین در مقابل هر گونه توافق با جمهوری اسلامی ایران قرار بگیرد

و مجلس سنانیز فقط با یک رای بیشتر در اختیار چه‌دموکرات‌ها دارد و در عین حال برخی دموکرات‌ها هم در مجلس نمایندگان و چه در مجلس سنانیز با رویکرد کاخ سفید برای هر گونه توافقی با ایران مخالف هستند بنابراین تایید هر گونه توافقی در حال حاضر در قوه مقننه امریکا با شریاطی که گفته شد منتفی به نظر می‌رسد و لاجرم قوه مجریه و در اس آن ریاست‌جمهوری امریکا باید از اختیارات خاص خودش یعنی دستورات ریاست‌جمهوری برای اجرایی کردن توافقی با جمهوری اسلامی ایران استفاده کند. در نظام حقوق اساسی امریکا، دستورات ریاست‌جمهوری تحت عنوان Presidential Di-rectives نامیده می‌شوند. قانون اساسی امریکا یا سایر قوانین موضوعه تعریف مشخصی از دستورات ریاست‌جمهوری از رایه نکرده‌اند و مهم‌ترین مبنای صدور این دستورات تقاسیری است که از اصل ۲ قانون اساسی امریکا به دست می‌آید که دولت‌فدرال امریکا را به عنوان اجراکننده قوانین فدرال می‌شناسد. در واقع در صدر بخش ۱ از اصل ۲ آمده است که قدرت اجرایی در رییس‌جمهور سپرده می‌شود. در بخش سوم اصل ۲ قانون اساسی هم آمده که رییس‌جمهور باید مراقب اجرای دقیق قوانین باشد و به مأموران دولت اختیارات لازم را اعطا یاوظایفی را به آنان محول کند. البته تفسیر عبارت «باید مراقب اجرای دقیق قوانین باشد» به معنای آن است که دستورات اجرایی ریاست‌جمهوری باید مطابق با موازین حقوقی باشند و به عبارتی مطابق موازین قانون اساسی و قوانین موضوعه باشند. به هر حال در مواردی که توافقی مورد نظر ریاست‌جمهوری

Adversaries Through Sanctions Act

مصوب ۲۰۱۷

طبق مواد این قانون تهدیدات ایران در چند دسته طبقه‌بندی شده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: تهدیدات ایران در خاورمیانه و شمال آفریقا، تهدیدات برنامه موشکی ایران و همین‌طور موضوعات حقوق بشری و سایر موارد. قانون کانسا به دلیل تهدیدات مذکور نوع از تحریم‌ها را علیه ایران در نظر گرفته است. تحریم‌های دسته اول تحریم‌هایی هستند تکلیفی یعنی رییس‌جمهوری امریکا موظف است تحریم‌هایی را به دلیل برنامه موشک‌های بالستیک یا برنامه‌های سلاح‌های کشتار جمعی و همچنین فروش یا انتقال تجهیزات نظامی به ایران یا رایه کمک‌های فنی یا مالی مرتبط به آن علیه ایران را اعمال کند. تحریم‌های دسته دوم تحریم‌های اختیاری هستند که طبق آن در ماده ۱۰۶ در ریاست‌جمهوری امریکا اختیار داده شده که تحریم‌های حقوق بشری رانیز علیه ایران اعمال کند.

۲- تلاش برای وضع قوانین جدید تر توسط دو مجلس نمایندگان و سنای امریکا

در تازه‌ترین تلاش برای وضع قوانین جدیدتر و محدود کردن قوه مجریه، کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان امریکا نیز طرحی برای ادیعی کردن تحریم‌های این کشور علیه ایران در قانون ایسا که در سال ۲۰۲۶ مدت کنونی آن به پایان می‌رسد را رایه به است که ارد است که به زودی برای رای گیری راهی صحن علنی مجلس امریکا خواهد شد. این طرح توسط یکی گروه از نمایندگان از هر دو حزب جمهوری خواه و موکرات حمایت می‌شود و طرحی دو حزبی Bipar-tisan محسوب می‌شود. مهم‌ترین نمایندگان دو حزب که این طرح را همراهی می‌کنند خانم مگی حسن Maggie Hassan،فرماندار سابق ایالت نیوهامپشایر و نماینده دموکرات مجلس نمایندگان امریکا از همان ایالت، خانم جکی روزن Jacky Rosen،نماینده دموکرات از ایالت نوادا، خانم میشل استیل Michelle Steel،نماینده جمهوری خواه، از ایالت کالیفرنیا و آقای مایکل مک کل Michael McCaul،نماینده دیگر حزب جمهوری خواه که در حال حاضر رییس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان امریکا نیز هست حمایت می‌شود. همچنین طرح از حمایت آقای تیم اسکات که اولین نماینده سیاهپوست جمهوری خواه از ایالت کارولینای جنوبی است و در ضمن کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۴ هم هست حمایت می‌شود. بنابراین بعید به نظر می‌رسد که اصل طرح این طرح در مجلس با دشواری همراه باشد. تصویب این طرح به منظور تمدید دائمی تحریم‌های ایران در قانون ایسا در نظر گرفته شده است و در واقع بند موسوم به بند غروب Sunset provision آن را که در سال ۲۰۲۶ مجدداًنیز به تمدید داشت، حذف می‌کند. بنابراین حتی اگر رییس‌جمهور بعدی از حزب دموکرات هم باشد علی‌القاعده باید بر اساس این قانون تحریم‌ها را ادامه بدهد.

از نسوی دیگر در مجلس سنانیز طرحی دو حزبی Bipartisan موسوم به طرح بازنگری رفع تحریم‌های ایران رایه‌شده که با حمایت ۳۳ عضو مجلس سناسه‌رامه شده و طبق آن رییس‌جمهوری امریکا موظف است هر گونه تخفیف غیررسمی تحریم‌های مربوط به ایران را قبل از تصویب برای بررسی به کنگره رایه کند.

معلوم است که دو مجلس نمایندگان و سنای امریکا تمایل دارند تا به هر طریق ممکن از اجرایی شدن هر گونه توافقی با جمهوری اسلامی ایران خودداری کنند.

۳- اختیارات ریاست‌جمهوری امریکا برای اجرایی کردن توافق

با توجه به اینکه اکثریت مجلس نمایندگان امریکا در حال حاضر در اختیار جمهوری خواهان قرار دارد

دیپلماسی

۷- دعوی قضایی علیه ریاست‌جمهوری

اما اگر کنگره اعتقاد داشته باشد که رییس‌جمهور بر خلاف اختیارات خودش مصح در ماده ۲ قانون اساسی یا بر خلاف قوانین موضوعه مصوب کنگره که به آنها اشاره شد، قدم برداشته است (چه با توافق کتبی و چه با توافق‌های شفاهی و به صورت ضمنی)، حتی ممکن است علیه ریاست‌جمهوری یا دست‌اندرکاران چنین توافقی‌هایی اقامه دعوی قضایی هم کند. به سابقه دو مورد از این دعوی هم در حوزه سیاست خارجی و هم در حوزه سیاست داخلی امریکا اشاره می‌کنم.

۷-۱- دعوی – United States v. Wright Export Corp

این دعوی اتفاقاً از دعوی است که در آن قوه قضاییه به نفع قوه مجریه رای داده است. موضوع آن بود که در سال ۱۹۳۲ و پیرو جنگی که بین دو کشور فقیر امریکای لاتین به وقوع پیوست، در سال ۱۹۳۲ جنگی به نام چاکو که منطقی‌های ارضی مورد نزاع بود بین دو کشور پاراگوئه و بولیوی آغاز شد. از آنجایی که هر دو کشور به کمک‌های نظامی خارجی متکی بودند، این موضوع باعث برانگیختن علاقه سازندگان تسلیحات امریکایی شد. با این حال، کنگره ایالات متحده قطعنامه مشترکی را تصویب کرد که به موجب آن مجاز است که محموله‌های تسلیحاتی امریکایی را به متخاصمین، مشمول جریمه و حبس یا تحریم کند. آقای فرانکلین روزولت، رییس‌جمهور وقت امریکا قطعنامه‌ای را امضا کرد و اعلامیه‌ای مبنی بر تایید و برقراری تحریم علیه شرکت‌های صادرکننده اسلحه به طرفین متخاصم صادر کرد.

شرکت صارتانی کرتیس رایت Curtiss-Wright Export Corporation، یک شرکت تولیدکننده سلاح بود که در طول جنگ چاکوپایم‌های جنگنده و بمب‌افکن به بولیوی می‌فروخت و ایس‌ان امرض قطعنامه مشترک کنگره و اعلامیه صادر شده توسط رییس‌جمهور روزولت محسوب می‌شد. لذا شرکت کرتیس رایت علیه تصمیم کنگره اقامه دعوی کرد با این استدلال که قطعنامه کنگره و تفویض اختیاری که به رییس‌جمهوری داده شده دکترین عدم تفویض اختیار non-delegation doctrine، نقض کرده است (معنای این دکترین آن است که هیچ‌یک از قوای سه‌گانه نمی‌توانند وظایف خودشان را به قوای دیگر محول کنند) و به قوه مجریه اجازه می‌دهد تصمیماتی اتخاذ کند که بر اساس قانون اساسی به قوه مقننه واگذار شده است. در این موضوع دیوان عالی نظر داد که قوه مقننه می‌تواند این اختیارات را در مواردی که صلاح می‌داند و در حدود صلاحیت‌های لازم قانون اساسی به قوه مجریه واگذار کند و بنابراین رفتار دولت امریکا را تایید کرد. اما استدلال و نتیجه حقوقی آکادمیک در خصوص این دعوی آن است که با توجه به مفهوم مخالف رای مذکور، قوه مجریه در جایی که کنگره آن را نهی کرده است قطعاً اختیار چنین عملی را نخواهد داشت.

۵- قانون زابلوک – کیس و لزوم اطلاع‌رسانی به کنگره در مورد موافقتنامه‌های اجرایی

قانون Case-Zablocki قانونی است که در سال ۱۹۷۲ تصویب شد. طراحان این قانون کلمنت زابلوکی Clement John Zablocki نماینده دموکرات ایالت ویسکانسین و سناتور جمهوری خواه کالیفرنیا پی کیس از نیوجرسی بودند و به نام آنها هم نامگذاری شده است. این قانونی است که هنوز قدرت اجرایی دارد و زمانی به کار می‌رود که کنگره می‌خواهد از تعهدات بین‌المللی که توسط موافقتنامه‌های اجرایی امضا می‌گردد در مجریه انجام می‌شود، مطلع شود. این قانون در اصل در واکنش به جنگ ویتنام تصویب شد که کاخ سفید به نحای مختلف از دادن اطلاعات لازم در مورد جنگ به کنگره می‌رفت و کنگره به تصویب این قانون قوه مجریه را مکلف می‌کند تمام موافقتنامه‌های اجرایی طبقه‌بندی شده را ظرف ۶۰ روز به کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان و کمیته روابط خارجی مجلس سنا ارسال کند. چندین قطعنامه‌های بعدی که در خصوص شیوه‌های اجرای همین قانون از سوی کنگره صادر شدند الزامات گزارشی دهی با جزئیات بیشتر را تقویت کردند و حتی موافقتنامه‌های شفاهی را نیز مشمول قانون دانستند. البته همواره بین کاخ سفید و کنگره در مورد اعمال دقیق این قانون اختلاف وجود داشته و کنگره همواره کاخ سفید را متهم کرده که در مهلت مقرر قانونی اطلاعات لازم را در اختیار کنگره قرار نداده است.

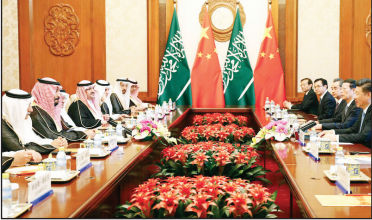
اگر چه این قانون مبنایی برای لزوم پاسخگو کردن دولت برای تعهدات در هر توافقی محسوب می‌شود اما با همه این احوالات واقعیت این است که در پیش‌بینی هم ضمانت‌اجرای مناسبی برای اجرای آن وجود نیستی نشده است و بنابراین برای اجرای آن و پاسخگو کردن دولت در چنین مواردی راه‌های دیگری باید جست‌وجو شوند که مختصراً به آنها اشاره می‌کنم.

۶- اختیارات کنگره طبق قانون اساسی

بند اول قانون اساسی چندین مورد از اختیارات سیاست خارجی کنگره را بر شمرده است، از جمله اختیارات «تنظیم تجارت با کشورهای خارجی»، «اعلان جنگ»، «تشکیل و حمایت از ارتش»، «تأمین و حفظ نیروی دریایی» و «تعیین قوانین برای دولت و مقررات نیروی زمینی و دریایی». قانون اساسی

همچنین دو مورد از اختیارات رییس‌جمهور در امور خارجه – انعقاد معاهدات و انتصاب دیپلمات‌ها – را به تصویب سنا منوط کرده است. اما فراتر از اینها، کنگره دارای اختیارات کلی دیگری است که می‌تواند به صورت دیگری مانع کارکردهای قوه مجریه در امور خارجی بشود مثل اختیارات مالی برای وضع و جمع‌آوری مالیات مناسبی برای اجرای آن پیش‌بینی همه قوانین لازم و مناسبی که برای کارکردهای قوه مجریه لازم است. همچنین با توجه به اینکه کنگره در فرآیند تخصیص سالانه بودجه برای همه وزارتخانه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، این نقش به کمیته‌های کنگره اجازه می‌دهد تا بودجه و برنامه‌های نظامی و دیپلماتیک گسترده رایه‌شده از سوی قوه مجریه را با جزئیات بیشتر بررسی کنند و در خصوص نحوه خرج کردن این پول سلبیقه‌های خودشان را اعمال کنند چنانکه برای مثال کنگره بارها دولت ایومار را از استفاده از بودجه برای انتقال زندانیان به خارج از زندان نظامی در خلیج گوانتانامو منع کرد.

تابستان داغ رابطه چین و عربستان سعودی



شهر ساحلی «تیانجین» میزبان «مجمع تابستانی داووس» است و هیات عربستان سعودی شامل ۲۴ مقام و مسوول سعودی؛ از جمله شش وزیر و معاون وزیر راهی این شهر شده‌اند. هیات عربستان سعودی به ریاست «فیصل‌علی ابراهیم»، وزیر اقتصاد و برنامه‌ریزی و «عبدالله السواحه»، وزیر از تطابقت و فناوری اطلاعات راهی این مجمع بزرگ اقتصاد در چین شده‌اند که از امروز آغاز می‌شود. اعزام این هیات عالی‌رتبه از جانب سعودی به چین نشان‌دهنده عزم دو طرف برای تقویت روابط بین دو کشور است.

به گزارش المانی‌تور، این نشست سالانه از سه‌شنبه تا پنجشنبه در شهر بندری تیانجین در شمال شرقی چین برگزار می‌شود. این رویداد اغلب به عنوان داووس تابستانی شناخته می‌شود که موازی با نشست سالانه مجمع جهانی اقتصاد در داووس، سوئیس در زمستان است. موضوع رویداد امسال در چین کار آفرینی است. فیصل‌علی ابراهیم نقش بسزایی در رایزنی‌های هیات سعودی در این نشست خواهد داشت. بر اساس برنامه‌ریزی‌های اعلام شده، او روز سه‌شنبه در یک پانل در مورد استفاده از نوآوری برای مقابله با چالش‌های امنیت غذایی و تغییرات آب و هوا صحبت خواهد کرد. او پانل دیگری در روز چهارشنبه در مورد خطرات بدهی جهانی با توجه به افزایش نرخ بهره بحث خواهد کرد. علی‌ابراهیم روز پنجشنبه طبق برنامه رسمی در پنل همکاری بین بخش دولتی و خصوصی شرکت خواهد کرد. این موضوع در پانل «توسعه صنایع مختلف در چین» شرکت خواهد کرد با اولویت‌های عربستان سعودی مطابقت دارد. شرکت‌های سعودی مانند ACWA Power در بطور فزاینده‌ای به انرژی‌های تجدیدپذیر علاقه دارند، زیرا سعودی به دنبال تنوع بخشیدن به منابع نفت و گاز است. نهادهای دولتی عربستان سعودی مانند صندوق سرمایه‌گذاری عمومی نیز به دنبال توسعه اقتصادی در این کشور هستند. بانک مرکزی عربستان سعودی تصمیم گرفت در ماه جاری نرخ بهره را ثابت نگذارد. عربستان سعودی روابط تجاری و انرژی قابل توجهی با چین دارد. سعودی در ابتدای سال، دومین تأمین‌کننده بزرگ نفت چین بود که البته پس از روسیه قرار گرفته است. چین همچنین بزرگ‌ترین شریک تجاری عربستان سعودی است.

حجم تجارت دو جانبه چین و عربستان به ۱۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ رسیده که نسبت به سال گذشته افزایش یافته است. عربستان سعودی مشتاق همکاری با چین برای تنوع بخشیدن به اقتصاد خود است. این کشور خواهان سرمایه‌گذاری فراتر از بخش‌های نفت، پالایش و مخازن، از جمله صنایع مختلف فولاد گرفته تا پلنفرم‌های اینترنتی، بازی‌ها و گردشگری است. فاینشال تایمز در ماه مه گزارش داد که عربستان سعودی در حال مذاکره برای پیوستن به بانک توسعه جدید بریکس است. رییس سابق رییس‌جمهور سابق برزیل، دانیل روسف، سخنرانی اصلی را در کنفرانس تجاری اعراب و چین رایه کرد.

اگر چه روابط عربستان و چین عمدتاً توسط اقتصاد هدایت می‌شود، روابط سیاسی نیز در حال تقویت است. در ماه مارس، سعودی اینترنشنال شد که به موجب آن عربستان سعودی و ایران توافق کردند روابط دیپلماتیک خود را از سر بگیرند.

روابط بین چین و عربستان سعودی در حال گسترش است. در اوایل ماه جاری، ریاض میزبان کنفرانس تجاری اعراب و چین بود که منجر به معاملات بیش از ۱۰ میلیارد دلاری شد. این قراردادها بخش‌های مختلفی از جمله وسایل نقلیه الکتریکی، صنعت، معدن، راه‌آهن و گردشگری را پوشش می‌دهد. عبدالعزیز بن سلمان، وزیر انرژی عربستان در حاشیه این نشست تجاری در پاسخ به این سوال که چرا رانکس به دنبال توسعه روابط خود با چین است، اعلام کرد که این مساله زمانی که موضوع به نفت مربوط باشد، ساده است. تقاضای چین برای واردات نفت همچنان در حال افزایش است، بنابراین ما باید بخشی از این تقاضا را به دست بیاوریم.

عربستان سعودی همچنین در نشست بریکس در آفریقای جنوبی در اوایل ژوئن شرکت کرد، انتلافی مشکل‌زا برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی که به دنبال رایه یک جایگزین ژئوپلیتیکی برای غرب است. در آن سوی میدان چین نیز به دنبال افزایش سهم خود در سرمایه‌گذاری و مبادلات تجاری با کشورهای عربی از طریق ابتکارات عظیم از جمله طرح کریند و جاده، پروژه‌های زیرساختی فناوری، هوش صنعتی، راه‌های نوآورانه برای تولید انرژی پاک و تجدیدپذیر و همچنین سرمایه‌گذاری در گردشگری، امنیت غذایی، کشاورزی، صنعت و معدن، لجستیک و مراقبت‌های بهداشتی است. به گزارش یورونیوز، لی چینگ، نخست‌وزیر چین روز گذشته در افتتاحیه این نشست، تلاش‌های غرب برای «خطرزدایی» از اقتصاد کشورهای متبوع‌شان را «گزارهای نادرست» خواند و به سیاست‌های امریکا و اتحادیه اروپا که هدف آن کاهش اتکایه چین است، پاسخ داد.

لی در افتتاحیه نشست مجمع جهانی اقتصاد در شمال چین گفت: در غرب، برخی افراد تحت‌عنوانی‌هی همچون کاهش اتکاو ریسک‌زدایی، تبلیغات به راه‌انداختن. او ادامه سخنرانی خود ضمن اشاره بر لزوم تعمیق جهانی شدن اقتصاد و همکاری گفت که ایس‌دو مفهوم، گزاره‌های نادرستی هستند، چرا که گسترش جهانی از اقتصاد به گونه‌ای است که اقتصاد جهان به یک موجودیت مشترک تبدیل شده است.